

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ایلام

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی الهیات

# خدا در اندیشه ابن سینا و دکارت

توسط:

زهرا رنجبر

استاد راهنما:

دکتر حسن قنبری

آذر ۱۳۸۸

به نام خدا

خدا در اندیشه ابن سینا و دکارت

توسط :

زهرا رنجبر

پایان نامه ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم  
برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی :

الهیات ( فلسفه و حکمت اسلامی )

از دانشگاه ایلام

ایلام

جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۱۳۸۸/۰۶/۰۷ توسط هیأت داوران زیر ارزیابی و با درجه نسیب به تصویب نهایی رسید.

دکتر حسن قنبری ، استادیار گروه الهیات دانشگاه شهید بهشتی تهران ( راهنما و رئیس هیأت داوران )

دکتر عباس قربانی ، استادیار گروه الهیات دانشگاه ایلام ( مشاور )

دکتر شمس الله صفرلکی ، استادیار گروه الهیات دانشگاه ایلام ( داور )

دکتر مجتبی بیگلری ، استاد گروه الهیات دانشگاه رازی کرمانشاه ( داور )

آذر ۱۳۸۸

تقدیم به  
ترنم نگاه مادرم  
دستهای مهربان پدرم

## سپاسگزاری:

سپاس خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجزند و حسابگران از شمارش او ناتوان و تلاگران از ادای حق او درمانده اند، خدایی که افکار ژرف اندیشان، ذات او را درک نمی کنند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهند رسید.

تحقیق حاضر با استعانت از درگاه ایزد متعال و با همراهی و همکاری عزیزانی انجام گرفته است که بر خود لازم می دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از ایشان ابراز نمایم.

نخست از اساتید گرانقدر که در طول دوره تحصیلی زحمات زیادی را متحمل شده اند، **جناب آقای دکتر حسن قنبری و جناب آقای دکتر عباس قربانی** که زحمت راهنمایی پایان نامه را کشیده اند و بی تردید بدون مساعدت ایشان طی این طریق دشوار بود و سپس از دوستانی که با ارائه اطلاعات و همچنین فراهم نمودن زمینه لازم، امکان انجام این تحقیق را برای اینجانب فراهم نموده اند، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

## چکیده

بحث از مفهوم خدا، صفات او و دلایل اثبات وجود خدا، مربوط به فلسفه ی دین است که خود شاخه و شعبه ای از فلسفه است و در عین حال دانشی دامن گستر و پویاست.

مسئله ی خدا نیز مسئله ای بسیار دیرپا و ریشه دار است و کل گستره ی تاریخ بشری و سراسر زندگی بشر را فرا گرفته و بشر هیچ گاه از دغدغه ی تأمل و اندیشه و بحث و کاوش درباره ی خدا فارغ نبوده است.

ارائه دادن تعریفی از خدا که فراگیرنده ی تمامی کاربردهای این کلمه و معادل های آن در زبان های دیگر باشد بسیار دشوار و شاید غیر ممکن است. حتی این تعریف که بگوییم « خدا موجودی است ماوراء انسان و ماوراء طبیعت که جهان را اراده می کند. » نارساست. بنابراین تعریف مذکور، به نحو جامع و مانع قابل اطلاق بر خدا نیست.

هدف اصلی رساله ی حاضر شناخت و مقایسه ی دیدگاه دو فیلسوف ممتاز و برجسته شرق و غرب یعنی ابن سینا و دکارت در مسئله ی خداوند است.

خدا از نظر ابن سینا واجب الوجود است، به عبارتی موجودی ضروری الوجود است یعنی فرض معدوم بودن آن محال است و براهینی که وی در اثبات واجب الوجود مطرح می نماید، برهان وسط و طرف و برهان وجوب و امکان (صدیقین) می باشد که در ضمن رساله به بیان آن ها خواهیم پرداخت.

از نظر دکارت، خدا به عنوان مفهومی (تصوری) فطری به طور بالقوه در انسان وجود دارد، براهینی که دکارت برای اثبات خداوند اقامه نموده، برهان علامت تجاری (صنعتی) و برهان وجودی است که مطرح خواهیم نمود.

**واژگان کلیدی:** واجب الوجود، برهان وجوب و امکان، برهان وسط و طرف، برهان علامت تجاری (صنعتی)، برهان وجودی، صفات واجب الوجود.

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

- 
- 
- ۱- مقدمه ..... ۱
  - ۱-۱- شرح و بیان مسئله‌ی پژوهشی ..... ۲
  - ۲-۱- اهداف تحقیق ..... ۲
  - ۳-۱- اهمیت و کاربرد نتایج تحقیق در رفع تنگناها و مشکلات جامعه ..... ۳
  - ۴-۱- پیشینه علمی موضوع تحقیق ..... ۳
  - ۵-۱- سؤال‌های تحقیق ..... ۴
  - ۶-۱- شرح روش تحقیق ..... ۴

### بخش اول: ابن سینا

#### فصل اول: آراء و افکار ابن سینا

- ۱-۱- زندگی‌نامه‌ی ابن سینا ..... ۶
- ۱-۱-۱- آثار، افکار و احوال ابن سینا ..... ۹
- ۱-۱-۲- مقام علمی و فلسفی ابن سینا ..... ۱۳
- ۲-۱- معرفت‌شناسی ابن سینا ..... ۱۵
- ۱-۲-۱- نفس و قوای آن از دیدگاه ابن سینا ..... ۱۶
- ۲-۲-۱- نظریه‌ی شناخت ابن سینا ..... ۱۹
- ۳-۲-۱- مراتب عقل از نظر ابن سینا ..... ۲۱

#### فصل دوم: خداشناسی ابن سینا

- ۱-۲- خدا در فلسفه‌ی ابن سینا ..... ۲۳
- ۲-۲- برهان‌ناپذیری وجود خدا از نظر ابن سینا ..... ۲۴
- ۳-۲- براهین اثبات وجود خدا در فلسفه‌ی ابن سینا ..... ۲۶
- ۱-۳-۲- برهان وسط و طرف ..... ۲۶
- ۲-۳-۱- اشکالات برهان وسط و طرف ..... ۲۸
- ۲-۳-۲- برهان وجوب و امکان (برهان صدیقین) ..... ۲۹
- ۱-۲-۳-۲- اشکالات برهان وجوب و امکان (صدیقین) ..... ۳۲
- ۲-۲-۳-۲- تقریر شیخ اشراق از برهان صدیقین ..... ۳۳
- ۳-۲-۳-۲- تقریر صدرالمألهین از برهان صدیقین ..... ۳۴
- ۴-۲-۳-۲- تقریر حکیم سبزواری از برهان صدیقین ..... ۳۶

- ۳۶..... تقریر علامه طباطبائی از برهان صدیقین..... ۲-۳-۵
- ۳۷..... صفات خدا از نظر ابن سینا..... ۲-۴-۴
- ۳۸..... اقسام صفات..... ۲-۴-۱
- ۳۹..... وحدت..... ۲-۴-۲
- ۴۱..... بساطت و نفی ترکیب از واجب الوجود..... ۲-۴-۳
- ۴۲..... نفی ترکیب وجود و ماهیت از واجب الوجود..... ۲-۴-۱-۳
- ۴۳..... نفی ترکیب جنس و فصل و حد از واجب الوجود..... ۲-۴-۳-۲
- ۴۴..... نفی ضد و نداد از واجب الوجود..... ۲-۴-۴
- ۴۴..... نفی جسم و جسمانیت..... ۲-۴-۵
- ۴۵..... علم واجب تعالی..... ۲-۴-۶
- ۴۶..... حیات واجب الوجود..... ۲-۴-۷
- ۴۷..... قدرت واجب تعالی..... ۲-۴-۸
- ۴۷..... خیر بودن واجب الوجود..... ۲-۴-۹
- ۴۸..... حق بودن واجب الوجود..... ۲-۴-۱۰

### بخش دوم: دکارت

#### فصل اول: آراء و افکار دکارت

- ۵۱..... زندگی نامه‌ی دکارت..... ۱-۱-۱
- ۵۵..... ۱-۱-۱ آثار، افکار و احوال دکارت..... ۱-۱-۱
- ۶۲..... ۱-۱-۲ مقام علمی و فلسفی دکارت..... ۱-۱-۲
- ۶۳..... ۱-۲-۲ روش دکارت در تحصیل علم..... ۱-۲-۲
- ۶۶..... ۱-۲-۱ ریاضیات، الگوی روش تحقیق..... ۱-۲-۱
- ۶۸..... ۱-۳-۱ دکارت، فیلسوف شک و یقین..... ۱-۳-۱
- ۶۸..... ۱-۳-۱ اصول اخلاقی موقت..... ۱-۳-۱
- ۷۰..... ۱-۳-۲ تبیین شک روش شناختی..... ۱-۳-۲
- ۷۲..... ۱-۳-۳ تفاوت شک دکارت با شک دیگر فیلسوفان..... ۱-۳-۳
- ۷۳..... ۱-۴-۳ مراحل شک دکارتی..... ۱-۴-۳
- ۷۵..... ۱-۳-۵ می‌اندیشم، پس هستم (مبنای اساسی یقین دکارتی)..... ۱-۳-۵
- ۷۸..... ۱-۳-۵-۱ چیستی نفس انسان..... ۱-۳-۵-۱
- ۷۹..... ۱-۳-۵-۲ قاعده وضوح و تمایز..... ۱-۳-۵-۲



۸۱	۴-۱-۴ دکارت و مدرنیته
	<b>فصل دوم: خداشناسی دکارت</b>
۸۴	۱-۲-۱ خدا در فلسفه‌ی دکارت
۸۵	۲-۲-۲ براهین اثبات وجود خدا در فلسفه‌ی دکارت
۸۶	۱-۲-۲-۱ برهان علامت تجاری (صنعتی)
۸۷	۱-۲-۲-۱-۱-۱ تقریر اول برهان علامت تجاری
۸۹	۱-۲-۲-۱-۱-۱ اشکالات تقریر اول
۹۰	۱-۲-۲-۲-۱-۲ تقریر دوم برهان علامت تجاری
۹۲	۱-۲-۲-۱-۲-۱ اشکالات تقریر دوم
۹۳	۲-۲-۲ برهان وجودی
۹۳	۱-۲-۲-۲-۱ تقریر آنسلم از برهان وجودی
۹۴	۱-۲-۲-۲-۱-۱ اشکال گونیلون بر برهان وجودی
۹۵	۲-۲-۲-۲-۱-۲ اشکال توماس آکوینی بر برهان وجودی
۹۶	۲-۲-۲-۲-۱ تقریر دکارت از برهان وجودی
۹۸	۱-۲-۲-۲-۱ اشکالات برهان وجودی
۹۹	۳-۲-۲-۲-۱ مقایسه تقریر آنسلم و تقریر دکارت
۱۰۱	۴-۲-۲-۲-۱ نقد کانت بر برهان وجودی
۱۰۲	۵-۲-۲-۲-۱ نقد برتراند راسل بر برهان وجودی
۱۰۳	۶-۲-۲-۲-۱ کاربرد هگلی برهان وجودی
۱۰۳	۷-۲-۲-۲-۱ دیدگاه هارتشورن و مالکوم درباره‌ی برهان وجودی
۱۰۴	۸-۲-۲-۲-۱ اتهام دکارت به ارتکاب دور باطل
۱۰۵	۹-۲-۲-۲-۱ تحلیل و بررسی برهان وجودی دکارت
۱۰۶	۳-۲-۳ خدای دکارت و خدای مسیحیت
۱۰۷	۱-۳-۳ خدا در فلسفه‌ی دکارت شأن وجودی ندارد
۱۰۸	۴-۲-۴ صفات خدا از نظر دکارت
۱۰۹	۱-۴-۲ صداقت (فریبکار نبودن)
۱۱۰	۲-۴-۲ عینیت وجود و ماهیت
۱۱۱	۳-۴-۲ وحدت و یگانگی
۱۱۱	۴-۴-۲ ازلیت

- ۱۱۲..... ابدیت یا سرمدیت .....۵-۴-۲
- ۱۱۲..... نامتناهی .....۶-۴-۲
- ۱۱۳..... تفاوت نامحدود و نامتناهی از دیدگاه دکارت .....۱-۶-۴-۲
- ۱۱۴..... قدرت .....۷-۴-۲
- ۱۱۴..... علم .....۸-۴-۲
- ۱۱۵..... اراده‌ی نامحدود و متعالی .....۹-۴-۲
- ۱۱۵..... بساطت .....۱۰-۴-۲
- ۱۱۶..... خلقت .....۱۱-۴-۲
- ۱۱۶..... غیر جسمانی بودن .....۱۲-۴-۲
- ۱۱۷..... منزّه بودن از حس .....۱۳-۴-۲
- ۱۱۷..... منزّه بودن از شر .....۱۴-۴-۲
- ۱۱۸..... خاتمه و نتیجه‌گیری .....۵-۲
- ۱۲۰..... فهرست منابع .....۱۲۰

شاید جدی‌ترین سؤال آدمی این سؤال باشد که «خدا کیست؟»، سؤالی که از تعالی اندیشه‌ی انسان حکایت می‌کند. رهیافت انسان به خدا و سیر تطور اندیشه‌ی آدمی درباره‌ی خدا همواره یکی از پرجاذبه‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه قرار می‌گیرد.

از آنجایی که شرافت و فضیلت هر علم به موضوع آن علم بستگی دارد، پس می‌توان گفت خداشناسی عالی‌ترین دانش‌ها است که نه تنها برتر از دیگر معارف است بلکه غایت آن‌ها نیز محسوب می‌گردد.

بررسی مکاتب و نظام‌های مختلف فکری- فلسفی نشان می‌دهد که در همه‌ی این مکاتب پرسش از خدا و تلقی نسبت به او جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. رسالت اصلی رساله‌ی حاضر شناخت و مقایسه‌ی دیدگاه دو فیلسوف برجسته شرق و غرب یعنی ابن سینا و دکارت در مسئله‌ی خداوند می‌باشد.

خدا از نظر ابن سینا واجب الوجودی است که با خدای ادیان مطابقت دارد و موجودی ضروری الوجود است یعنی فرض معدوم بودن آن محال است و براهینی که برای اثبات واجب الوجود اقامه نموده عبارتند از: برهان وسط و طرف و برهان وجوب و امکان (صدیقین)، که در ضمن رساله به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت.

خدا نزد دکارت بنیاد یقین و حقیقت است به طوری که اگر به خدا یقین نداشته باشیم، نمی‌توانیم در مورد حقایق دیگر یقین داشته باشیم. دکارت نیز همانند ابن سینا برای اثبات وجود خداوند براهینی اقامه نموده که در این رساله برهان علامت تجاری (صنعتی) و برهان وجودی ایشان را مطرح خواهیم کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، رساله‌ی حاضر در دو بخش تدوین گشته است که بخش اول به ابن سینا و بخش دوم به دکارت اختصاص دارد، هر بخش نیز دارای دو فصل می‌باشد که در فصل اول به آراء، افکار و معرفت‌شناسی و در فصل دوم به خداشناسی دو فیلسوف می‌پردازیم و در پایان نیز به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

## ۱-۱- شرح و بیان مسئله‌ی پژوهشی

یکی از اساسی‌ترین بخش‌های فلسفه «خداشناسی» است و هر یک از ادیان و مکاتب، خدای خود را با اوصاف و افعال خاصی می‌شناسند. تفاوت دیدگاه در این باب منجر به پدید آمدن خداشناسی‌های کاملاً متفاوتی می‌گردد که قضاوت و داوری در مورد آن‌ها مستلزم شناخت آن دیدگاه‌ها است.

با وجود این، متفکران، متکلمان و فلاسفه با موشکافی‌های عمیق خود به بررسی مفهوم خدا و براهین اثبات خدا پرداخته‌اند.

مسئله‌ی اصلی این تحقیق مقایسه‌ی دیدگاه دو فیلسوف ممتاز و برجسته در مورد خداست. ابن سینا فیلسوفی شرقی است که می‌توان به جرأت ادعا کرد که بخش مهمی از تاریخ تفکر غرب را در سیطره‌ی خود دارد و دکارت فیلسوفی غربی که او را پدر فلسفه‌ی جدید خوانده‌اند، و با اوست که عقل اصالت می‌یابد. هر کدام از این دو فیلسوف براهینی در اثبات وجود خدا مطرح نموده‌اند که سعی بر این است دیدگاه‌ها و نظرات این دو در مورد خدا مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

## ۲-۱- اهداف تحقیق

از آنجایی که مبحث خدا یکی از دغدغه‌های اصلی فلسفه است می‌توان گفت هدف عمده‌ی تحقیق حاضر، تبیین مفهوم خدا براساس دیدگاه‌های ابن سینا و دکارت است. حاصل این تحقیق شناخت کامل‌تری از الهیات را نصیب ما می‌سازد. علاوه بر این اهداف زیر نیز مورد نظر است:

۱- آگاهی از مباحث خداشناسی

۲- بیان نظر و عقیده‌ی ابن سینا و دکارت در مورد خداوند

۳- تبیین براهین اثبات وجود خدا از دیدگاه ابن سینا

۴- تبیین براهین اثبات وجود خدا از دیدگاه دکارت

۵- بررسی تطبیقی دیدگاه‌های ابن سینا و دکارت در مسئله‌ی خدا

### ۱-۳- اهمیت و کاربرد نتایج تحقیق در رفع تنگناها و مشکلات جامعه

بحث و کاوش درباره‌ی خدا از قدیم‌ترین ایام مطرح بوده است و شاید در تاریخ، جامعه و ملتی را نتوان یافت که در آن نوعی گرایش و اعتقاد به مبدأ هستی وجود نداشته باشد. ما در تاریخ بشر حتی در جوامع بدوی و تمدن‌های ابتدایی، شاهد اعتقاد و ایمان توده‌های عظیم مردم از هر نژاد و ملیتی به خالق جهان هستیم و در کنار آن ناظر تلاش‌های فکری متفکران و اندیشمندان در غرب و شرق در زمینه‌ی اثبات وجود مبدأ هستی و اقامه‌ی براهین عقلی و فلسفی در این زمینه می‌باشیم.

تلاش انسان برای کسب خداشناسی، صرفاً کوششی برای دست‌یابی به معرفت معتبر نیست، بلکه این امر آثار عملی و سرنوشت‌سازی در حیات بشر دارد، به طوری که شناخت سطحی یا نادرست ما از خداوند و اوصاف و افعال وی، یک معضل معرفتی صرف نیست که تأثیری در زندگی روزمره‌ی ما نداشته باشد، واقعیت برخلاف این است، کسی که برداشت نادرستی از خدای خود، قدرت، لطف و رحمت او دارد در برخورد با مشکلات به آسانی تسلیم می‌شود و به جای توکل بر خداوند، راه عجز و درماندگی در پیش می‌گیرد.

از طرفی دیگر پایه‌ی تمام اعتقادات فرد، عقیده به وجود خداوند است و هرگونه شک و تردید در آن موجب تزلزل و سستی تمام اعتقادات الهی می‌گردد.

### ۱-۴- پیشینه علمی موضوع تحقیق

پیش از تحقیق در مورد خالق جهان اشاره به تاریخچه‌ی این بحث مفید می‌باشد، در ادیان و ادوار تاریخی درباره‌ی مفهوم خدا، نظرات گوناگونی مطرح شده است، اما هیچ کدام دارای فهمی ثابت و یکسان نیستند.

در دین زرتشت تنها یک خدای قابل پرستش وجود دارد و آن، «اهورامزدا» است که صفات و خصوصیات برجسته‌ای از جمله خالق، بصیر، عالم و قدیر به او نسبت داده‌اند. خدای یگانه و واحد دین یهود «یهوه» نام دارد که عادل، مقدس و ورای زمان، مکان و همه‌ی مقولات است و همچنین برخوردار از اراده، قدرت و حکمت می‌باشد. خدای مسیحی، خدای خالقی است که منشاء وجود و معطی است. خدای دین اسلام ذاتی شایسته‌ی پرستش و موجودی ناب است که دارای همه‌ی کمالات است، بدون علت، بسیط و تام، ازلی و ابدی و عاری از ماده و صورت است.

همچنین تصورات مختلفی از خداوند در اسلام و غرب وجود دارد، هر چند خالق «کندی»، موجود نخستین «فارابی»، واجب الوجود «ابن سینا» و نورالانوار «سهروردی» در اسلام و صانع «افلاطون»، محرک غیر متحرک «ارسطو»، احد «فلوین»، جوهر نامتناهی و خلاق «دکارت»، معطی قوانین اخلاقی «کانت» و ایده مطلق «هگل» در غرب به حقیقت واحدی که همان خداست اشاره دارند، اما به هیچ وجه

دارای معنا و مفهوم واحدی نیستند. لذا هیچ فیلسوفی را نمی توان یافت که دغدغه‌ی بحث از خدا را نداشته باشد.

با توجه به مطالب فوق، می توان کتب، مقالات و مجلات بیشماری راجع به خداشناسی در فلسفه‌ی اسلامی و غربی یافت که می توان به اسفار «ملاصدرا»، تبیین براهین اثبات خدا «آیت‌الله جوادی آملی» و اصول فلسفه و روش رئالیسم «علامه طباطبایی» در فلسفه‌ی اسلامی و براهین اثبات وجود خدا در فلسفه غرب «پل ادواردز»، خدا و فلسفه‌ی «اتین ژیلسون» و وجود خدای «جان هیک» اشاره نمود. در نهایت از آنجا که به طور مستقل به بررسی تطبیقی رویکرد ابن سینا و دکارت در مورد خدا پرداخته‌اند، این موضوع نیازمند تحقیقات جدید می‌باشد.

#### ۱-۵- سؤال‌های تحقیق

- سؤالاتی که در این رساله مطرح شده و سعی بر پاسخ‌دهی مناسب و قانع‌کننده به آن‌ها می‌باشد، به شرح ذیل است:
- ۱- آیا براهین ابن سینا در اثبات واجب‌الوجود از لحاظ فلسفی معتبرند؟
  - ۲- آیا دلایل اثبات وجود خدا در اندیشه‌ی دکارت قابل قبولند؟
  - ۳- وجوه اشتراک و افتراق خداشناسی ابن سینا و دکارت کدامند؟

#### ۱-۶- شرح روش تحقیق

پس از مطالعه و فراهم آوردن یادداشت‌های لازم از آثار فلاسفه‌ی موردنظر، براساس روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری، تقریر روشن و دقیقی از آراء آنان صورت می‌گیرد، توجه اصلی بیشتر بر روی آثار دو فیلسوف مورد نظر می‌باشد، سپس به توصیف و در نهایت به تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها و نظرات آن دو پرداخته می‌شود.

**بخش اول**

**ابن سینا**

## فصل اول: آراء و افکار ابن سینا

### ۱-۱- زندگی‌نامه‌ی ابن سینا

«نام کامل ابن سینا، ابوعلی‌الحسین بن عبدالله بن علی بن سینا و کنیه‌ی او ابوعلی است، در مشرق زمین با القاب شیخ‌الرئیس، حجة‌الحق و شرف‌الملک مشهور است.»<sup>۱</sup> و در جهان غرب به نام «اوسینا»<sup>۲</sup> و به لقب امیر پزشکان شناخته شده است.

ابن سینا در عهد دولت نوح بن منصور سامانی، یعنی در ماه صفر ۳۷۰ق/ اوت ۹۸۰م در افشنه، نزدیک بخارا، متولد شد. پدرش از اهالی بلخ بود و در دوران فرمانروایی نوح بن منصور سامانی به بخارا رفت و حکومت قریه‌ای به نام «خورمیتن» بدو سپرده شد، او از قریه‌ای در نزدیکی آنجا به نام افشنه، زنی به نام «ستاره» را به همسری گرفت و دارای دو پسر شد که نخستین آنها ابوعلی بود.<sup>۳</sup>

ابن سینا نخست به آموختن قرآن و ادبیات پرداخت و ده ساله بود که همه‌ی قرآن و بسیاری از مباحث ادبی را فرا گرفت. سپس پدرش او را نزد سبزی فروشی به نام «محمود مساح» فرستاد و ابن سینا از وی حساب و جبر را آموخت. بعد از اتمام تحصیل نزد محمود مساح، پدرش او را به مدرسی دیگر به نام «اسماعیل زاهد» سپرد و علم فقه را نیز از او آموخت. سومین معلم ابن سینا در بخارا «ابو عبدالله ناتلی» بود که در محضر آن استاد، سه علم ایساغوجی، مجسطی و هندسه‌ی اقلیدس را آموخت. وی علم نجوم را مانند علم هندسه نزد ناتلی تحصیل کرد، اما آن را دنبال نکرد.<sup>۴</sup>

ابن سینا در این زمان به پزشکی گرایش یافت و علم طب را نزد مردی مسیحی به نام «عیسی بن یحیی» آغاز کرد و هنوز به شانزده سالگی نرسیده بود که صیت شهرتش در طب همه جا را فرا گرفت. وی در این علم تنها به مباحث نظری نمی‌پرداخت، بلکه تجارب شخصی خود را در مورد بیماران اعمال می‌کرد.<sup>۵</sup>

در زمان قدیم فیلسوفان چون نمی‌توانستند از راه فلسفه معاش خود را تأمین کنند، رو به پزشکی می‌آوردند. اما اینگونه نبود که ابن سینا برای ارتزاق از علم پزشکی، به آن روی آورده باشد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - حسین، نصر- الیور، لیمن، تاریخ فلسفه اسلامی، ج ۱، ۴۱۷.

<sup>۲</sup> - Avesinna.

<sup>۳</sup> - حنا، الفاخوری- خلیل، الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۴۰۵.

<sup>۴</sup> - جرج بی، کوچ، ابن سینا نابغه‌ای از شرق، ترجمه ذبیح الله منصور، ۵۷-۵۶.

<sup>۵</sup> - حنا، الفاخوری- خلیل، الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۴۵۱.

<sup>۶</sup> - جرج بی، کوچ، ابن سینا نابغه‌ای از شرق، ترجمه ذبیح الله منصور، ۵۷-۵۶.



وی همزمان به مطالعات خود در فقه و فلسفه ادامه می‌داد و دو سال از عمر خود را وقف تحصیل فلسفه کرد و در این میان حتی سراسر یک شب را نمی‌خوابید و روزها نیز جز به کار خواندن و آموختن نمی‌پرداخت. هر گاه با مسئله‌ای مشکل مواجه می‌شد به مسجد می‌رفت و به تضرع از خداوند می‌خواست تا آن مشکل حل شود.<sup>۱</sup>

ابن سینا بدین روش پیش رفت تا بر همه‌ی دانش‌ها آگاهی یافت، خود وی در این باره می‌گوید: «هر چه امروز از علوم می‌دانم، درست همان است که آن زمان می‌دانستم».<sup>۲</sup>

ابن سینا در این هنگام در منطق، ریاضیات و طبیعیات تبحر یافته و آنگاه به الهیات روی آورد و به خواندن کتاب مابعدالطبیعه‌ی ارسطو پرداخت، حتی به گفته‌ی خودش ۴۰ بار آن را خوانده بود اما محتوای آن را نمی‌فهمید، تا اینکه روزی در بازار کتاب‌فروشان، مردی کتابی را به بهای ارزان بر او عرضه می‌کند که همان کتاب ابونصر فارابی درباره‌ی اغراض مابعدالطبیعه بوده است که پس از خواندن آن مقصود کتاب بر وی آشکار می‌گردد.<sup>۳</sup>

ابن سینا هفده ساله بود که نوح بن منصور سامانی بیمار شد و پزشکان در مداوای او درماندند، اما ابن سینا او را معالجه کرد و از آن پس از مقربان در گاه او شد و از کتابخانه‌ی وی استفاده می‌کرد.<sup>۴</sup> ابن سینا در بیست و یک سالگی به تألیف و تصنیف پرداخت، در بیست و دو سالگی پدرش در گذشت و او عازم خوارزم شد و از آنجا به جرجان (گرگان) رفت و با ابو عبید جوزجانی - که از آن پس همواره ملازم او بود - آشنا شد.<sup>۵</sup>

در این زمان به همدان رفت و شمس‌الدوله را از بیماری نجات داد، وزارت او را به عهده گرفت، اما سپاهیان شمس‌الدوله - به دلیل سختگیری شیخ یا عللی دیگر که معلوم نیست - بر او شوریدند، خانه‌اش را غارت کردند و خودش را به زندان افکندند و خواستار کشتنش شدند، ولی شمس‌الدوله نپذیرفت و او را از زندان آزاد کرد.<sup>۶</sup>

پس از مرگ شمس‌الدوله، پسرش سماء‌الدوله ابوالحسن به جای او نشست و از ابن سینا خواست تا وزارت او را بپذیرد، اما او ابا کرد و با علاء‌الدوله، امیر اصفهان، در نهران به مکاتبه پرداخت و این بی‌احتیاطی به زندانی شدن وی در قلعه‌ی فردجان به مدت چهار ماه منجر شد.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> - حنا، الفاخوری - خلیل، الجرج، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۴۵۱.

<sup>۲</sup> - علی اصغر، حلبی، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، ۱۶۶.

<sup>۳</sup> - همان، ۱۶۷-۱۶۶.

<sup>۴</sup> - حنا، الفاخوری - خلیل، الجرج، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۴۵۱.

<sup>۵</sup> - همان، ۴۵۲.

<sup>۶</sup> - علی اصغر، حلبی، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، ۱۷۰-۱۶۹.

<sup>۷</sup> - حنا، الفاخوری - خلیل، الجرج، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۴۵۲.

در نبردی که میان سماءالدوله و علاءالدوله در گرفت، سماءالدوله شکست خورد و تسلیم شد. ابن سینا از زندان آزاد گشت و در همدان اقامت گزید، آنگاه به طور ناشناس به اصفهان رفت، امیر اصفهان مقدمش را گرامی داشت و او را مصاحب خود ساخت.<sup>۱</sup>

ابن سینا که امیر را در سفر به همدان همراهی می کرد، در بستر بیماری افتاد، گرچه به درمان قولنج خود پرداخت اما در نخستین جمعه رمضان ۴۲۸ هـ / ژوئن ۱۰۳۷ م، در ۵۸ سالگی، در نزدیکی همدان درگذشت.<sup>۲</sup>

در مورد محل دفن ابن سینا اختلاف وجود دارد، بعضی مکان قبرش را در اصفهان و بعضی در همدان می دانند. دو گانه بودن قبر ابن سینا در دو شهر ناشی از یک اشتباه و یک احتیاط است. اشتباه این است که بعضی گفته اند ابن سینا در زندان همدان زندگی را بدرود گفته است، گرچه ابن سینا در سال های آخر عمر در همدان زندانی شد، اما در زندان درگذشت، بلکه با کمک برادر و جوزجانی موفق به گریز از زندان شد و به اصفهان رفت. اما موضوع احتیاط این است که از آنجا که علاءالدوله شیعه مذهب بود و شیخ نیز مذهب تشیع داشت، اما اکثر اهالی اصفهان در آن دوره سنی بودند و پس از اینکه ابن سینا در اصفهان فوت نمود، علاءالدوله دیلمی و اطرافیان شایعه کردند که جسد ابن سینا را به همدان برده اند، زیرا این بیم وجود داشت که مردم بدانند شیخ الرئیس در اصفهان دفن گردیده، نبش قبر کرده و جسدش را بسوزانند، با این حال روایت قوی تر این است که آرامگاه ابوعلی سینا در همدان می باشد.<sup>۳</sup>

### ۱-۱-۱- آثار، افکار و احوال ابن سینا

ابن سینا علی رغم زندگی ناآرام و پر حادثه‌ی خود نویسنده‌ای پرکار بوده است. نوشته‌های به جا مانده از وی نشان دهنده‌ی ذهن فعال و خلاق اوست که حتی در سخت ترین شرایط از فعالیت باز نمی ایستاد، آنچه تألیف را بر او آسان می کرد حافظه و قدرت هوش سرشار و نیرومند وی بود. اگر در نظر داشته باشیم که زندگی ابن سینا تا چه حد سرشار از حوادث و اشتغالات سیاسی بوده است، وسعت آثار او مایه‌ی تحسین خواهد شد. کتاب شناسی ابن سینا شامل ۲۴۲ عنوان می باشد. آثار او که تأثیری ژرف در مشرق زمین و همچنین مغرب زمین گذاشته، همه‌ی قلمروهای فلسفه و علوم آن زمان را شامل می شود.<sup>۴</sup>

اینک به ذکر و شرح تألیفات وی می پردازیم:

<sup>۱</sup> - همان، ۴۵۲.

<sup>۲</sup> - هانری، کوربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، ۲۴۰.

<sup>۳</sup> - جرج بی، کوچ، ابن سینا نابغه‌ای از شرق، ترجمه ذبیح الله منصور، ۲۸۶-۲۸۵.

<sup>۴</sup> - هانری، کوربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی، ۲۴۰.

۱- الشفاء: این کتاب مهمترین اثر او در حکمت در چهار قسمت منطق، طبیعیات، ریاضیات و الهیات است. منطق به نه بخش، طبیعیات به هشت بخش و ریاضیات به چهار بخش تقسیم شده است.<sup>۱</sup> «قسمت منطق شفاء، دقیقترین و مفصلترین کتاب منطق اسلامی است که تعلیم و تعلم آن همواره مورد توجه قرار گرفته است. قسمت ریاضیات این کتاب شامل اصول هندسه، حساب، موسیقی و علم هیأت است. طبیعیات آن نیز حاوی بحث در السماع الطبیعی، السماء و العالم، الیون والفاسد، افعال و انفعالات، نفس، نبات و حیوان است. الهیات شفاء نیز شامل ده مقاله در اقسام موجودات، جوهر و عرض، ماده و صورت، وحدت و کثرت، تقدم و تأخر، قدم و حدود، نوع و جنس و فصل، مبدأ اول و کیفیت صدور اشیاء، مبدأ و معاد و لزوم اطاعت از پیامبر و امام است که در ضمن آن سیاسات و تدبیر منزل و اخلاق نیز مورد تحقیق قرار می‌گیرد.»<sup>۲</sup>

شفاء نخستین تألیف جامع ابن سینا در فلسفه است و گویا این کتاب را بدون مراجعه به منابع و تنها بر پایه‌ی حافظه‌ی خود نوشته است.<sup>۳</sup>

۲- النجاة: این کتاب را از آن جهت که مختصر و گزیده‌ای از مطالب شفاء است «خلاصة الشفاء» گویند، اما تفاوت اساسی نجات با شفاء این است که شفاء، اصول و فروع، کلیات و جزئیات را در بردارد، از این رو برای همگان مفید است، در حالی که نجات شامل اصول و کلیات مسائل فلسفه و حکمت است که بهره‌گیری از آن نه در خور همگان بلکه ویژه‌ی متخصصان است یعنی اشخاصی که به اصول حکمت و علم احاطه‌ی کافی داشته باشند.<sup>۴</sup>

«شیخ‌الرئیس این کتاب را برای کسی که می‌خواهد از طبقه‌ی عامه پا فرا نهد و به طبقه‌ی خاصه بیوندد، تألیف کرده است.»<sup>۵</sup>

نجات از چهار بخش تشکیل شده است که بخش‌های منطق و طبیعیات و الهیات را خود ابن سینا و ریاضیات آن را جوزجانی آماده کرده است.<sup>۶</sup>

۳- الاشارات و التنبیها: این اثر آخرین نوشته‌ی ابن سینا و از برجسته‌ترین آثار اوست و چون به منزله‌ی خلاصه‌ای از افکار شیخ است میان طالبان علم، سخت مشهور شده است. الاشارات کتابی صغیرالحجم اما کثیر العلم است که شامل ده نهج در منطق و ده نمط در فلسفه است. تفاوت این اثر با دو اثر قبلی وی این است که شیخ در این کتاب از بخش‌های چهارگانه، بخش ریاضیات را مطرح

<sup>۱</sup> - علی اصغر، حلبی، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، ۱۷۵.

<sup>۲</sup> - همان، ۱۷۶-۱۷۵.

<sup>۳</sup> - یحیی، یثربی، ترجمه و شرح الهیات نجات، ۹.

<sup>۴</sup> - همان، ۱۰.

<sup>۵</sup> - حنا، الفاخوری - خلیل، الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۴۵۳.

<sup>۶</sup> - حسین، نصر - لیور، لیمن، تاریخ فلسفه اسلامی، ج ۱، ۴۰۱.

نکرده است و به جای آن، در نمط‌های سه‌گانه‌ی آخر بحثی از عرفان و تصوف به میان آورده است که می‌توان آن را نخستین بحث از اصول عرفان از دیدگاه فلسفه دانست.<sup>۱</sup>

الاشارات نسبت به شفاء و نجات، سبکی خاص و انسجام بیشتری دارد. نجات و شفاء، دارای سبک و انتظام یکسانی هستند، البته سبک ابن سینا در این دو اثر، سودمندتر از سبک او در الاشارات و التنبیهاست، زیرا در این دو کتاب، تحلیل و ژرف‌نگری و توجه به فروع و جزئیات و نتایج، بیشتر رعایت شده و در واقع سبک این دو کتاب، شایسته‌ی تحقیقات علمی و فلسفی است.<sup>۲</sup>

دانشمندان مختلفی به شرح این کتاب پرداخته‌اند، از جمله «فخر رازی» که این کتاب را «لباب الاشارات» نامیده سپس آن را شرح کرده است، یکی دیگر از استوارترین شروح از این کتاب، شرح «خواجه طوسی» است، محقق فاضل «قطب‌الدین رازی» معروف به «تحتانی» نیز بر اشارات شرح نوشته است.<sup>۳</sup>

۴- حکمة المشرقیة یا حکمة المشرقیین: یکی از کتاب‌های معتبر شیخ از چند جهت است، نخست اینکه ابن سینا در این کتاب بیان عقاید حکمای بغداد (مشرقیین) را در برابر شارحان اسکندرانی (غربیین) عهده‌دار است و اینکه برخی گمان کرده‌اند که در این کتاب شیخ به بیان عقاید حکمای اشراقی پرداخته است، اشتباه می‌باشد.<sup>۴</sup>

این کتاب از جهت مضمون نامش و از این جهت که جز منطق، اثری از بقیه‌ی آن نیست، موجب مناقشات بسیار شده است. برخی گویند کتابی در تصوف بوده و آن را (حکمة المشرقیین) خوانده‌اند، تنها، مستشرق ایتالیایی، «نلینو» این ابهام را برطرف کرده و گفته است این کتاب را از آن جهت که خاص فلسفه‌ی شرق در مقابل فلسفه‌ی غرب است، بدین نام خوانده‌اند.<sup>۵</sup>

۵- قانون فی الطب: این کتاب مشروح‌ترین و مهم‌ترین کتاب طبی شیخ‌الرئیس است که دارای نسخه‌های فراوانی است، شروح بسیاری بر آن نوشته‌اند و ترجمه و تلخیص هم نموده‌اند. نخستین بخش قانون را شیخ در جرجان حدود سال ۴۰۵ هـ ق و بقیه را در همدان میانه سال‌های ۴۰۵ و ۴۱۴ تصنیف کرده است. این کتاب شامل قوانین کلی طب در قسمت نظری و عملی است و ابن سینا آن را به پنج کتاب منقسم می‌کند، کتاب اول: در امور کلی علم طب، دوم: در ادویه مفرده، سوم: در امراض جزئی، چهارم: در امراضی که مخصوص به عضوی نیست، پنجم: در ادویه مرکبه.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - یحیی، یثربی، ترجمه و شرح الهیات نجات، ۱۰.

<sup>۲</sup> - همان، ۱۱.

<sup>۳</sup> - علی اصغر، حلبی، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، ۱۷۹-۱۷۷.

<sup>۴</sup> - همان، ۱۸۲-۱۷۹.

<sup>۵</sup> - حنا، الفاخوری-خلیل، الجر، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۴۵۴.

<sup>۶</sup> - علی اصغر، حلبی، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، ۱۸۵.